گزارش

ناگفته‌هایی پشت خاکریز دل‌ها

زنان نویسنده مشهدی از ادبیات دفاع مقدس و مسائل آن می‌گویند

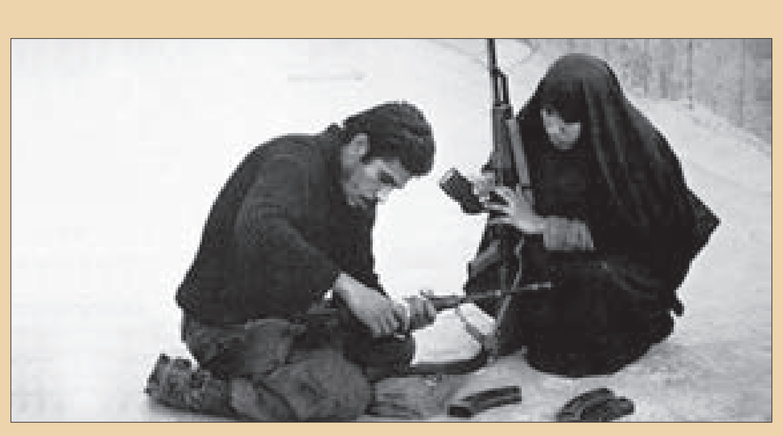

ندا کیان- جنگ هشت‌ساله بخشی از حافظه تاریخی ما را به خود مشغول کرده است، رویداد سرنوشت‌سازی که تأثیرات مادی و معنوی آن هنوز در کشور دیده می‌شود و چه‌بسا تا روزگاری دراز باقی بماند. جنگ و دفاع مقدس از باورها و آب و خاک، همه آن‌هایی را که زندگی‌شان در جغرافیایش بود، از زن و مرد، تحت تأثیر قرار داد. این است که وقتی عده‌ای در عرصه فرهنگ به ثبت و بازتاب آن دست می‌زنند، بدیهی است که برخی از آن‌ها زنان باشند. در مشهد نیز، به ویژه سال‌های اخیر، حضور پررنگ زنان نویسنده در عرصه ادبیات حوزه جنگ و دفاع مقدس دیده می‌شود. این گزارش نگاهی به این فعالیت‌ها و جایگاه انسان‌هایی دارد که با نگارش آثاری درخور می‌توانند بُعد عاطفه و احساس را نیز در کنار حماسه و باور در ادبیات یادشده برجسته کنند. دراین‌باره با ۳ بانوی فعال مشهدی گفت‌وگو کرده‌ایم که کتاب‌هایشان عموما با موضوع جنگ تحمیلی است.

به اندازه تک‌تک مردان جنگ، راوی زن داریم

«با شروع جنگ، بسیاری از زنان خرمشهری صحنه را ترک نکردند تا از اولین نیروهایی باشند که در شهر ماندند و به کارهای مختلف حمایتی پرداختند. در شهرهای دیگر هم زنان در ستادهای پشتیبانی فعالیت می‌کردند. زن‌های ایرانی، با توجه به مکتب حضرت زینب(س) حماسه‌ای آفریدند که جای بسی حرف و سخن دارد.» مریم عرفانیان با ذکر این مقدمه درباره نقش زنان در ادبیات دفاع مقدس و روایت موضوعات مربوط به آن می‌گوید: به اندازه تک‌تک مردانی که در خط مقدم جبهه حضور داشتند و امروز می‌توانند روایتگر عملیات‌ها باشند، زنانی از خانواده آن‌ها داریم که می‌توانند راوی دلتنگی‌های خود باشند، فقط کافی است شناسایی شوند.

این نویسنده آثار سرگذشت‌پژوهی جنگ اضافه می‌کند: سال ۸۵ تا ۸۹ از طرف امور ایثارگران بنیاد شهید، اسناد و مدارک مربوط به شهدا را جمع‌آوری می‌کردم و با خانواده آن‌ها حرف می‌زدم. متوجه شدم به اندازه تمام ۳۰۰۰ مصاحبه‌ای که انجام داده‌ام، خانواده‌هایی هستند که حرف برای گفتن دارند. درواقع مصاحبه با خانواده شهدا منابع نوشتن مرا تشکیل داد. ما ناگفته‌های زیادی از زمان جنگ داریم که پشت خاکریز دل‌ها مانده است و باید بازگو شود.

اما فعالیت در این حوزه مانند بسیاری از زمینه‌های دیگر مشکلات خاص خود را دارد. عرفانیان می‌گوید: زمانی که به عنوان نیروی جمع‌آوری اسناد در بنیاد شهید کار می‌کردم، دوست داشتم به تمام مصاحبه‌هایی که کرده‌ام، دسترسی داشته باشم، ولی به‌خاطر چارچوب‌های اداری امکانش فراهم نبود. از طرفی، آن زمان، باور عمومی فعالیت زنان را در این حیطه چندان به رسمیت نمی‌شناخت، اگرچه امروز اوضاع بهتر شده است.

یک مادر شهید، همسر شهید، خواهر یا دختر شهید حرف‌هایش را با یک زن راحت‌تر می‌تواند به زبان بیاورد؛ اینجاست که اهمیت تلاش نویسندگان زنی که در عرصه خاطره‌نگاری‌ها و سرگذشت‌پژوهی‌های جنگ تحمیلی قلم می‌زنند، روشن می‌شود: بهتر است در این زمینه نویسنده پرورش دهیم. یک راوی زن با یک نویسنده زن ارتباط بهتری برقرار می‌کند. روایت زنانه را باید زن بنویسد. به خاطر دارم چندسال پیش نزد همسر یک شهید رفتم. بعد از مصاحبه گفت که در گفت‌وگو با مردان کلی گویی می‌کرده و از دلتنگی‌هایش نمی‌گفته است. یک مرد نمی‌تواند لرزش خفیف قلب یک زن را -با ورود همسرش بعد از ماه‌ها از جبهه- به درستی بازتاب دهد.

امروزه انتشاراتی‌های متعددی در حوزه کتاب‌های جنگ کار می‌کنند و برخی در این عرصه تبدیل به برند شده‌اند. به تبع این رونق، ظهور زنان نویسنده در این حوزه نیز بیش از پیش شده است. اما عرفانیان این رشد کمّی را به خودی خود مثبت تلقی نمی‌کند و معتقد است باید در کنار یک زن نویسنده، یک کارشناس نظامی قهار نیز حضور داشته باشد. از نگاه او، زنی که درباره واقعه تاریخی‌ای چون جنگ هشت‌ساله می‌نویسد، در وهله اول باید پژوهشگر باشد، سپس کار خود را به یک کارشناس نظامی که در آن منطقه حضور داشته است بسپارد. چرایی این باور نیز این است که بیشتر آثار سرگذشت‌پژوهی به سمت رمان گرایش پیدا کرده است، درحالی که در سرگذشت پژوهی اسناد و تاریخ‌ها اولویت دارند.

نویسنده کتاب‌هایی چون «راهی برای رفتن» و «تا ابد با تو می‌مانم» تأکید می‌کند: زنان در عرصه نویسندگی باید آن‌قدر قوی قلم بزنند تا بتوانند آثاری خلق کنند که دفاع مقدس را جهانی می‌کند. تولیدات فرهنگی مناسب در این حوزه این ظرفیت را دارد که همدلی و ایثاری را که در دوران دفاع مقدس شکل گرفت، به جهانیان معرفی کند.

● زنان جنگ، دلواپسی را بیش از مردان تجربه کردند

نسرین پرک، دیگر نویسنده مشهدی است که جنگ و دفاع مقدس محور عمده آثارش را تشکیل می‌دهد. او نیز از زنانی یاد می‌کند که شاید در متن جنگ نبوده‌اند، اما دلواپسی و دلتنگی را بیش از مردان تجربه کرده‌اند، زنانی که برای انتقال حس و احساس خود دست به قلم شدند: زنان به‌ویژه در حوزه ادبیات دفاع مقدس زودتر از مردان و بدون چشمداشت به منفعتی پای کار آمدند. بااین‌حال کارهای ابتدایی‌ای که از آن‌ها چاپ می‌شد، به سبب حمایت نشدن بازخورد چندانی نداشت. اما اکنون با حمایت ناشران و برگزاری برنامه‌های مختلف برای کتاب‌های دفاع مقدس، ظهور و بروز آثار زنان نویسنده در این حوزه رو به افزایش است.

این داستان‌نویس در عین بدیهی خواندن این واقعیت که زنان نمی‌توانند فضای حاکم بر جنگ را آن‌طور که باید به تصویر بکشند، گوشزد می‌کند که بانوان نویسنده فضاهای حاشیه و اتفاقاتی را که برای خانواده‌های رزمندگان در نبود این مردان افتاده است، به خوبی بازتاب می‌دهند.

نویسنده مجموعه‌داستان‌هایی مانند «نوسان‌انتظار» «زیر نخل‌های حاشیه اروند» همچنین بازدارنده‌هایی همچون مشکلات رفت‌وآمدها برای انجام مصاحبه با راویان جنگ را انکار نمی‌کند اما معتقد است بانوان نویسنده در زمینه ادبیات جنگ و دفاع مقدس به خوبی از پس این مشکلات برآمده‌اند.

● ممیزی، گریبان‌گیر آثار دفاع مقدس

به نظر می‌رسد نگاه زنانه به ادبیات جنگ لازم و ضروری است و چه‌بسا اگر زنان در پشت جبهه و در صحنه حضور نداشتند، جنگ به این شکل پیش نمی‌رفت. مریم جهانگشته در ادامه این صحبت‌ها بیان می‌کند: زنان در حوزه نگارش تاریخ شفاهی جنگ می‌توانند موفق باشند و ما این را در سال‌های اخیر لمس کرده‌ایم. حتی استان ما در حوزه کتاب‌های دفاع مقدس از بهترین استان‌ها به‌ویژه در سال گذشته و سال جاری بوده است.

مشکلاتی در عرصه نوشتن و چاپ و نشر وجود دارد که می‌تواند دامن موضوعات گوناگون را بگیرد. برای نمونه، ادبیات جنگ و دفاع مقدس و عموم کتاب‌هایی که با این موضوع نوشته می‌شود، نیز با پدیده ممیزی و دردسرهای آن روبه‌رو می‌شود. جهانگشته می‌گوید: گاهی در کنار ممیزی‌هایی که در حوزه چاپ و نشر این آثار وجود دارد، سانسور جلد را هم شاهد هستیم. این امر در آثار نویسندگان زن بیشتر نمود پیدا می‌کند و شاید به نگاه جامعه به زنان بی‌ارتباط نباشد. در مواردی می‌بینیم یک مرد می‌تواند درباره لایه‌های عمیق و زیرین جنگ اظهار نظر کند ولی یک زن نه. ممیزی خیلی وقت‌ها گریبان گیر نوشته‌های من نیز شده است.

او ادامه می‌دهد: ما نویسندگان دفاع مقدس ممکن است از بیان مهرورزی هم در آثار خود دریغ کنیم؛ چرا نباید از مهرورزی رزمنده با همسر خود در دوران جنگ بگوییم تا به جوانان نشان دهیم که آن‌ها از بطن اجتماع بوده‌اند؟ هنوز برای ما جا نیفتاده که جنگ لایه‌های احساسی و زنانه هم داشته است. بااین‌همه اکنون وضعیت خیلی بهتر شده است و امیدوارم برای نسل بعد از ما که توانمندتر و پرانرژی‌تر قدم در این عرصه می‌گذارند اتفاقات خوبی رقم بخورد.

این تاریخ‌نگار شفاهی جنگ، ریشه افزایش نویسندگان زن دفاع مقدس در استان را در تغییر نگاه مسئولان می‌بیند و می‌گوید: در سال گذشته نگاه برخی مسئولان تبعیض‌آمیز نبود و به‌جرئت می‌توان گفت عوض شدن برخی مسئولان در بعضی نهادها باعث شد نگاه فرهنگی‌تر و هنری‌تری به این قضیه شکل بگیرد. ما در مقطعی در این عرصه فقط نویسندگان مرد، آن هم به تعداد کمتر از انگشتان دست داشتیم و بعضا آثار فاخری را هم ارائه نمی‌دادند اما آنچه می‌نوشتند بازتاب زیادی داشت؛ آن زمان تصور این بود که زنان فقط باید رمان عاشقانه بنویسند! خوشبختانه مراودات با برخی استان‌ها که نویسندگان زن مطرحی داشتند، موجب ساختارشکنی شد.

نویسنده کتاب‌های «ناگهان جنگ» و «خنده‌اشک» و جز این‌ها، توجه زنان نویسنده به این حوزه را برخاسته از علاقه آن‌ها به این موضوع برمی‌شمارد و اضافه می‌کند: زنی که درباره جنگ می‌نویسد، باید عاشق جنگ باشد تا بتواند به آن ورود پیدا کند و حق مطلب را ادا کند.

گاه‌نما

شوخی با رنج‌های طبقه متوسط

به مناسبت زادروز اوژن یونسکو

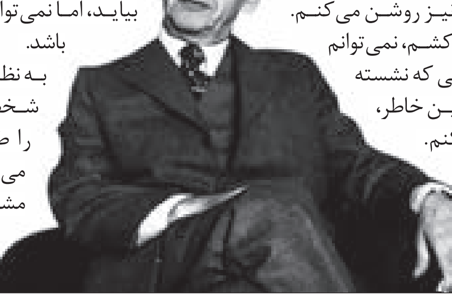

هدی جاودانی| اوژن یونسکو (۲۶ نوامبر ۱۹۰۹ - ۱۹۹۴) به ارباب جزئیات شهرت دارد، صفتی که گاه این نویسنده فرانسوی رومانیایی‌تبار را به پرداختن به مسائل پیش‌پاافتاده متهم می‌کرد و گاه تمسخر و طنز را به نوشته‌هایش نسبت می‌داد. او در نخستین نمایشنامه‌های ابزورد خود، «آوازه‌خوان طاس»، «درس» یا «صندلی‌ها»، زندگی آرام و مبادی آداب طبقه متوسط را به ورطه جنون می‌رساند؛ آدم‌هایی که به انکار دیوانه‌وار شکست، خطر، کهن‌سالی، رنج یا هر چیزی دست می‌زنند که افراد مبادی آداب همواره ناچارند آن را نادیده بگیرند. سوژه طنز او عمدتا طبقه بورژوازی بود و از آنجایی که چنین طنزی در فرانسه سابقه‌ای طولانی داشت، با گذر زمان، یونسکو به گمان بسیاری به تکراری کسالت‌بار دچار شد. سال‌های پایانی زندگی‌اش، چهره‌ای متفاوت از او به نمایش گذاشت. یونسکو حالا بارها پیچیده‌تر، اندوهگین‌تر و پریشان‌تر به نظر می‌آمد و تنها رمان او، «گوشه‌نشین»، تصویر همیشگی از آثارش را به کلی در هم می‌کوبید. او از مرگ می‌ترسید؛ همین‌قدر ساده و پیش‌پاافتاده. ترسی که پزی روشنفکرانه و مد روز به نظر نمی‌آمد و بیشتر به رنجی غریزی شباهت پیدا می‌کرد، رنجی که او ابتدا به شیوه‌ای درخشان در نمایشنامه «شاه می‌میرد» و بعدها با مهارتی مثال‌زدنی در رمان «گوشه‌نشین» به تصویر درمی‌آورد: «و ناگهان، کاملا غیرمنتظره مانند همیشه، فکر مرگ به سراغم آمد. نباید از مرگ بترسم، چرا که هنوز معنای آن را به درستی نمی‌دانم. به علاوه، مگر نگفته بودم که دوست دارم تسلیم شوم و با آن مبارزه نکنم؟ بیهوده، از تخت‌خوابم برمی‌خیزم، وحشت‌زده، چراغ‌ها را روشن می‌کنم، از کنجی به کنجی دیگر می‌دوم، به سرعت به اتاق پذیرایی می‌روم، چراغ‌های آنجا را نیز روشن می‌کنم. هنگامی که دراز می‌کشم، نمی‌توانم آرام بمانم: مانند وقتی که نشسته یا ایستاده‌ام. به همین خاطر، حرکت می‌کنم. حرکت می‌کنم به تمامی نقاط خانه؛ روشن می‌کنم و می‌دوم.» قهرمان گوشه‌نشین، عقب‌نشینی می‌کند و بر خود می‌لرزد. یک کارمند به‌دردنخور که از عموی آمریکایی‌اش پولی را به ارث می‌برد و به آپارتمانی آبرومند در حومه شهر نقل‌مکان می‌کند. در خانه جدیدش روزنامه می‌خواند، حمام می‌رود، ریشش را اصلاح می‌کند، ناهار می‌خورد، شام می‌خورد و سعی می‌کند بخوابد. دوست روان‌کاوش به او اطمینان می‌دهد که ترس از مرگ «کاملا عادی و متداول» است. اما گوشه‌نشین در پاسخ به او می‌گوید که ممکن است ناامیدی عادی به نظر بیاید، اما نمی‌تواند همیشه واقعی باشد.

به نظر می‌رسد، یونسکو شخصیت ساده‌لوحی را طراحی کرده که می‌خواهد بزرگ‌ترین مشکلات جهان را حل کند، مشکلاتی فلسفی و مدرن از جنس بیگانگی، مفاهیم وجودی، جبر یا تقدیر. اینکه گوشه‌نشین کارمندی است نه جوان و نه پیر، نه زشت و نه زیبا و نه باهوش و نه احمق، به سادگی او را به نماینده‌ای از یک قشر تبدیل می‌کند. او به همان اندازه رقت‌انگیز، جدی، ملانقطی و تأثربرانگیز است که به کارمندان داستان‌های گوگول یا اصلا بسیاری از ما شباهت پیدا می‌کند. گوشه‌نشین به اندازه خود یونسکو، نسبت به مفاهیمی چون ایدئولوژی و جاه‌طلبی تردید می‌کند و صدای او را نمی‌توان به آسانی از صدای یونسکو در زندگی‌نامه‌اش، «تصاویر پراکنده‌ای از کودکی»، تمیز داد: «همواره سعی داشتم که زندگی کنم، اما از کنار زندگی عبور کرده‌ام. بر این باورم که بسیاری از آدم‌ها این‌گونه فکر می‌کنند. برای فراموشی خود، لازم نیست تنها مرگِ خود را به فراموشی بسپارید، بلکه می‌توانید مرگ کسانی را که دوستشان دارید نیز از یاد ببرید و فراموش کنید که دنیا قرار است روزی به پایان برسد. فکرِ پایان، مرا مملو از خشم و اضطراب می‌کند. هیچ‌گاه به معنای واقعی شاد نبوده‌ام.»

*برگرفته از مقاله‌ای منتشرشده در نیویورک‌تایمز، نوشته ادموند وایت، سال ۱۹۷۴م.

آگهی مزایده

موضوع: بهره برداری از فضای کافی شاپ احداث شده جنب پل های عابر پیاده

سازمان ساماندهی مشاغل شهری و فرآورده های کشاورزی شهرداری مشهد مقدس در نظر دارد بهره برداری از فضای کافی شاپ احداث شده جنب پل های عابر پیاده بلوار ملک آباد (نبش بزرگمهر و قدس) را از طریق مزایده عمومی واگذار نماید. لذا از کلیه اشخاص حقوقی و حقیقی دعوت می گردد در صورت تمایل جهت دریافت اسناد مزایده به نشانی مشهد بلوار وکیل آباد حدفاصل وکیل آباد ۵۵ و ۵۷ پلاک ۱۱۶۵ طبقه چهارم اداره امور قراردادها و پیمانها مراجعه نمایند.

آخرین مهلت دریافت اسناد مزایده و ارائه پیشنهاد: ساعت ۱۴:۱۵ روز یک شنبه مورخه ۱۳۹۸/۰۹/۱۷

مبلغ پایه مزایده کافی شاپ پل عابر قدس: سالیانه معادل ۴۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال

مبلغ پایه مزایده کافی شاپ پل عابر بزرگمهر: سالیانه معادل ۴۳۲.۰۰۰.۰۰۰ ریال

مبلغ سپرده شرکت در مزایده: معادل ۵ % مبلغ پیشنهادی سالیانه برای هر کافی شاپ

جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن های ۳۳ - ۳۱۲۹۸۰۶۵ تماس حاصل نمایید.

(سازمان در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات مختار می باشد)

(هزینه درج آگهی بر عهده برنده مزایده می باشد)

جهت کسب اطلاعات بیشتر به آدرس سایت www.samesh.mashhad.ir مراجعه نمایید

روابط عمومی سازمان ساماندهی مشاغل شهری و فرآورده های کشاورزی شهرداری مشهد

فوتوشهر
www.photoshahr.ir

جستار

خانه همیشگی ملت

نگاهی به مستند «بهارستان، خانه ملت»، به‌مناسبت حضور کارگردان فیلم در مشهد

شریف شیرزاد| محمدرضا شفیعی کدکنی در مقاله «تلقی قدما از وطن» می‌نویسد: «اندیشه قومیت ایرانی... به‌شکل خاص امروزیِ آن که خود متأثر از طرز برداشت ملل اروپایی از مسئله ملیت است، یک مسئله جدید به‌شمار می‌رود که با مقدمات انقلاب مشروطیت ازنظر زمانی همراه است.» درواقع، مراد گذشتگان دور ما از «وطن»، صرفا محل زادوبود شخص بوده است نه یک جغرافیای سیاسی با یک «ملت» و «دولت» مشخص و معی از آن گونه که ما امروز متصوریم؛ همان‌طور که شفیعی کدکنی نوشته است، تلقی امروزین ما از این مفهوم مربوط به سال‌های انقلاب مشروطیت و حداکثر کمی پیش از آن است؛ یعنی حدود ۱۱۰ تا ۱۵۰ سال پیش که عده‌ای نخستین بار شعار سر دادند: «زنده باد ملت ایران». پس از اینکه مظفرالدین‌شاه در ۱۴مرداد۱۲۸۵ فرمان مشروطیت را امضا کرد، تشکیل قوه مقننه در دستورکار قرار گرفت و دقیقا دو ماه بعد، یعنی در ۱۴مهر ۱۲۸۵، «مجلس شورای ملی» در عمارت «بهارستان» آغاز به کار کرد؛ مکانی در نزدیکی یک میدان که امروز آن را به همین نام می‌خوانند و خوشبختانه کماکان پابرجاست (البته، به‌دلیل اینکه باغ «نگارستان» نیز در نزدیکی همین میدان قرار دارد، تا اواخر حکومت رضاخان آن را «نگارستان» می‌خواندند). بدین مناسبت می‌توان «بهارستان» را نخستین خانه ملت ایران دانست؛ بماند که به‌قول محمد مصدق «هرجا ملت است، آنجا مجلس است» (البته «مجلس سنا» که یکی از دو مجلس ایران در دوران پهلوی بود و نیز «مجلس شورای اسلامی» تا سال ۱۳۸۰ در «کاخ سنا»، واقع در خیابان «سپه» یا «امام‌خمینی»، برگزار می‌شد، ولی مجلس فعلی در ساختمان نوسازی در همین میدان «بهارستان» برپا می‌شود). اما وجود عمارت «بهارستان» و نیز چند بنای مهم دیگر نظیر عمارت «مسعودیه» و مسجد «سپهسالار» در این میدان تنها دلیل اهمیت آن نیست؛ میدان «بهارستان» همچنین شاهد وقایع تلخ و شیرین بسیاری بوده است که جملگی در تاریخ ایران اهمیت بسیار دارند؛ از آن جمله است راه‌پیمایی‌های موافقان و مخالفان مصدق در دوران کوتاه نخست‌وزیری او. مجموع همین امور است که بابک بهداد، مستندساز باسابقه، را به ساختن «بهارستان، خانه ملت» واداشته است؛ مستندی تاریخی با محور قرار دادن یک مکان مهم که اکران عمومی آن ۱۴مرداد امسال، در سالگرد صدور فرمان مشروطیت، آغاز شد. نام این مستند ممکن است مخاطب را به این گمان بیندازد که قرار است فیلمی درباره یک مکان و مختصات و ویژگی‌های آن ببیند، حال آنکه اینجا مکان صرفا عنصری است که فیلم‌ساز آن را برای ایجاد وحدت در اثر خود و انسجام بخشیدن به آن به خدمت گرفته است. تأکید بهداد بر وقایع سیاسی رخ داده در میدان «بهارستان»، ما را به این حکم رهنمون می‌شود که اثر او اصلا یک مستند سیاسی است. این را، جز عنوان فیلم، سخنان خود کارگردان نیز تأیید می‌کند: «قصد من این بود که فیلمی بسازم درباره تلاش ملتی برای رسیدن به آزادی.» خوشبختانه، اکران مستند «بهارستان، خانه ملت» که تاکنون برنده جوایز مهمی، ازجمله «سیمرغ بلورین بهترین فیلم سینمایی مستند» در سی‌وهفتمین دوره «جشنواره فیلم فجر» شده است، همچنان ادامه دارد. شنبه گذشته نیز بابک بهداد با حضور در «پردیس سینمایی هویزه»، ضمن تماشای فیلم خود درکنار تماشاییان مشهدی که به‌علت ضعف در اطلاع‌رسانی تعدادشان چشمگیر نبود، به سؤالات و اشکالات ایشان پاسخ گفت.

«بهارستان، خانه ملت» یک مستند ۷۵دقیقه‌ای است که خالق آن با محور قرار دادن میدان «بهارستان» کوشیده است روایتی از سرگذشت این مکان در طول نزدیک به یک قرن عرضه کند، طوری که تاحد ممکن هیچ واقعه مهمی هم ازقلم نیفتد، حتی کسی که این مستند را ندیده است، هم می‌تواند دشواری این کار را درک کند. خلق یک مستند تاریخی، نیازمند اسناد و مدارک بسیاری است که هم مواد اولیه آن هستند هم مایه‌ورش می‌سازند، اما آنچه خالق «بهارستان، خانه ملت» دراختیار داشته، بسیار کمتر از آن بوده است که می‌بایست بوده باشد. این مسئله بیش از هرچیز معلول نبود آرشیوهای بسامان و قابل‌استفاده در کشور ماست اما این امر باعث ناامیدی و پس نشستن بهداد یا ارائه کاری ضعیف نشده است؛ کارگردان با بهره‌گیری از آرشیوهای کشورهای خارجی که البته رسیدن به آن‌ها ساده هم نبوده است، تاحدزیادی این نقیصه را برطرف ساخته و حتی موفق شده است اسنادی را به‌دست آورد که جز در فیلم او در جای دیگری نمی‌توان آن‌ها را دید؛ ازآن‌جمله است ویدئویی صدادار از سیدابوالقاسم کاشانی که بسیار جالب و جذاب است، بااین‌همه بازهم وقایعی در تاریخ معاصر ایران هست که ما اکنون هیچ صوت یا تصویری از آن‌ها دراختیار نداریم. بهداد برای حل این مشکل ابتکارات جالبی انجام داده است؛ او با استوری‌برد به‌خوبی خلأهای تصویری فیلم‌نامه خود را پر کرده و ضمنا از برخی مستندسازان بزرگ و بنام خواسته است در مواقعی به‌جای برخی اشخاص سخن بگویند و بدین‌ترتیب فیلم خود را از یک‌نواختیِ محتمل نیز دور داشته است. بهداد همچنین با رنگ‌آمیزی عکس‌های سیاه‌وسفید به‌شیوه دوران آغاز عکاسی در ایران و متمایز کردن برخی اشخاص در آن‌ها، صورت و محتوای کار خویش را بهتر ساخته است. بااین‌تفاصیل، نادرست نخواهد بود که برجستگی‌های فیلم او را بیش از هرچیز محصول تدوین بدانیم؛ البته همین تدوین گاهی هم به اثر بهداد آسیب زده است: درحالی‌که روایت فیلم تا وقایع سال ۱۳۵۷ و حتی اندکی پس از آن ادامه می‌یابد، کارگردان دوسوم آن را به دوران قاجار اختصاص داده و به‌سرعت از دوران پهلوی گذشته است. فشردگی زمانی فیلم نیز بهداد را مجبور کرده است بیش‌ازحد دست به گزینش بزند؛ درنتیجه، او برخی‌وقایع را گسسته از وقایع پیش و پسِ آن‌ها نشان داده است که این امر، درک عوامل و نتایج این وقایع را دشوار و بلکه ناممکن ساخته است؛ مثلا مخاطب چیزی از وقایعی که در سال‌های بین پایان نخست‌وزیری عبدالحسین هژیر و آغاز نخست‌وزیری مصدق رخ داده است، نمی‌بیند و نمی‌فهمد چطور ترور اولی به قدرت گرفتن دومی انجامیده است. درعین حال، بهداد در روایت خود گاهی به حاشیه رفته و از اصل مطلب دور افتاده است؛ مثلا با نشان دادن افتتاح راه‌آهن. در زبان روایت و قرائت برخی متون نیز اشکالاتی هست؛ مثلا راوی فیلم «نُوّاب» را «نَوّاب» تلفظ می‌کند. اما، باوجود همه این کاستی‌ها و دیگر کاستی‌های احتمالیِ این مستند و نیز مشکل «حجاب معاصرت» (یعنی این امر که واقعیت بسیاریِ از وقایع روزگار ما بر ما پوشیده است و بنابراین ما نمی‌توانیم درباره آن‌ها به‌درستی داوری کنیم) که تمام آثار مرتبط با تاریخ معاصر لاجرم به آن گرفتارند، درنهایت بایست گفت که «بهارستان، خانه ملت» روایتی منصفانه عرضه می‌کند که دست کم برای مخاطب غیر متخصص، دیدنی و شنیدنی است.

به یاد بابک بیات

به مناسبت سالروز درگذشت یکی از آهنگ‌سازان شاخص موسیقی پاپ ایرانی

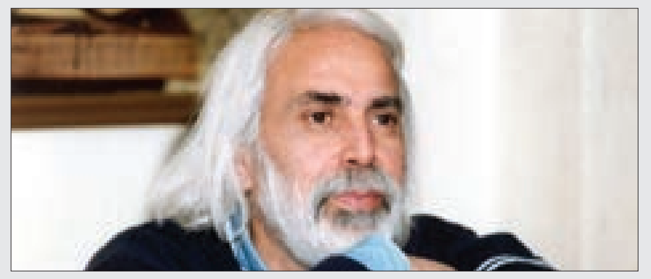

ورشان| سال ۱۳۲۵ در پل چوبی تهران به‌دنیا آمد و ۵آذر ۱۳۸۵ به‌علت نارسایی کبد درگذشت. این آهنگ‌ساز فقید موسیقی پاپ درمیان انبوه دوستدارانش به‌سوی آرامگاه ابدی‌اش در قطعه هنرمندان بهشت زهرا بدرقه شد. بابک بیات بی‌هیچ ابایی، از زندگی در محله‌های پایین‌شهر تهران می‌گفت و پس از انقلاب نیز در همان‌جا که بود، ماند و از موسیقی‌اش پاسداری کرد. او «خروس زری، پیرهن پری»، «سکوت سرشار از ناگفته‌هاست» و «چیدن سپیده‌دم» را در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ با همکاری احمد شاملو روانه بازار موسیقی کرد. بیات سال‌ها در دانشگاه‌های تهران موسیقی فیلم تدریس کرد و نیز ساخت موسیقی فیلم را با ده‌ها فیلم سینمایی همچون «مرگ یزدگرد»، «نقطه‌ضعف» و «ریشه در خون»، «شاید وقتی دیگر» و «مسافران» ادامه داد. بیات در سال ۱۳۶۹ جایزه سیمرغ بلورین فیلم فجر را برای ساخت موسیقی فیلم «عروس» دریافت کرد. در سومین دوره مراسم سال‌نوای موسیقی ایران که سال ۱۳۹۶ در بنیاد آفرینش‌های هنری نیاوران برپا شد، بزرگداشت چهار هنرمند درگذشته ازجمله بابک بیات، برگزار و از خانواده او تقدیر شد. آخرین موسیقی فیلمی که از این هنرمند به یادگار مانده است، آواهایی است که او برای سریال «ولایت عشق» به کارگردانی مهدی فخیم‌زاده ساخته است.

یادبود

اعتبار گرافیک ایران

امروز چهاردهمین سالروز درگذشت مرتضی ممیز است

بزازان| امروز چهاردهمین سالروز درگذشت پدر هنر گرافیک معاصر ایران است. مرتضی ممیز در سال ۱۳۴۴ از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد و سه سال بعد گواهی‌نامه طراحی غرفه و ویترین و معماری خود را از مدرسه عالی هنرهای تزیینی پاریس دریافت کرد. تألیف ۹کتاب و بیش از ۵۰مقاله درباره طراحی و گرافیک، عضویت در انجمن بین‌المللی طراحان گرافیک و ریاست هیئت‌مدیره انجمن صنفی طراحان گرافیک ایران، ازجمله اقدامات هنری ممیز در طول چهار دهه فعالیت اوست. کارنامه هنری پدر گرافیک معاصر ایران با افتخارات و جوایز بسیاری پیوند خورده است. همچنین او برگزاری نمایشگاه‌های متعدد در داخل و خارج از کشور را تجربه کرده است. مهم‌ترین آثار به‌جامانده از این هنرمند معاصر در حوزه‌های طراحی گرافیک، تصویرسازی، کتاب کودک، عکاسی، نقاشی و پویانمایی است اما بی‌شک او بیش از همه با طراحی لگوهای ماندگاری چون موزه رضا عباسی، علامت استاندارد ایران و سازمان آتش‌نشانی و شهرداری تهران در یاد مردم ایران ثبت شده است. شاگردان و دوستداران ممیز ازجمله ساعد مشکی، فرشید مثقالی، مجید عباسی و ابراهیم حقیقی هرسال گردهم می‌آیند و نمایشگاهی از آثار او برپا می‌کنند. امسال نیز مراسم چهاردهمین سالروز درگذشت او در خانه هنرمندان ایران با حضور چهره‌های شاخص هنری برگزار شد و امروز آیین اختتامیه این رویداد است.

زندگی با سینما

جاماندگان اکران

نگاهی به فیلم‌های سینمایی که انتظار می‌رود پیش از آغاز جشنواره فجر روی پرده بروند

فیلم سینمایی «آشفتگی»

فیلم سینمایی «خداحافظ دختر شیرازی»

فیلم سینمایی «۲۳نفر»

فیلم سینمایی «سونامی»

فیلم سینمایی «یادم تو را فراموش»

فیلم سینمایی «جهان با من برقص»

شکیبا افخمی‌راد| درحالی که این روزها اخبار سی‌وهشتمین دوره جشنواره فیلم فجر و بازار شایعات و گمانه‌زنی‌ها درباره آن داغ است، فیلم‌هایی که در دوره گذشته این جشنواره روی پرده رفته بود و همچنین فیلم‌های تولیدی سال قبل همچنان در صف اکران عمومی هستند؛ فیلم‌هایی که مدت‌هاست قرارداد اکرانشان بسته شده است اما هنوز رنگ پرده سینماهای کشور را ندیده‌اند؛ اتفاقی که ناشی از تعداد زیاد فیلم‌های سینمایی تولیدشده در سال و همچنین نبود مدیریت درست در اکران است. این بی‌نظمی‌ها با استناد به دو جلسه اخیر شورای صنفی نمایش، بیش از پیش مشهود است. براین‌اساس، هفته گذشته سخن‌گوی این شورا از آغاز اکران فیلم «معکوس» پولاد کیمیایی از ۲۹آبان خبر داده بود؛ اتفاقی که رخ نداد و بعد از گذشت یک هفته از موعد مقرر، بالاخره اکران خواهد شد.

همچنین در تازه‌ترین جلسه این شورا، فقط اکران فیلم «لیلاج» به‌کارگردانی داریوش یاری و با بازی مهران احمدی، بازیگر خراسانی، از چهارشنبه این هفته تصویب شده است. شورای صنفی نمایش اعلام کرده است به‌دلیل بالا بودن کف فروش فیلم‌های روی پرده، اکران این فیلم‌ها ادامه دارد، این درحالی است که انتظار می‌رفت این هفته اکران فیلم «ماجرای نیمروز؛ رد خون» در سرگروه پایان یابد و فیلم «جاندار» با بازی حامد بهداد، بازیگر مشهدی سینما که از ماه‌ها قبل قرارداد اکرانش ثبت شده است، روی پرده سینماها برود.

لازم به ذکر است «ماجرای نیمروز؛ رد خون» سقف هشت هفته‌ای اکران خود را پر کرده و یک هفته نیز با توجه قطع‌بودن اینترنت بیشتر روی پرده مانده است، با این حال اکرانش هنوز ادامه دارد. علاوه‌بر دو فیلم گفته‌شده، چند فیلم دیگر نیز قراردادهایشان بسته شده است و در صف اکران هستند؛ فیلم‌هایی که درصورت سروسامان یافتن وضعیت اکران، انتظار می‌رود تا پیش از جشنواره فیلم فجر روی پرده بروند. در این گزارش، نگاهی به این فیلم‌ها انداخته‌ایم.

● وضعیت آشفته «آشفتگی»

قرارداد فیلم «آشفتگی» به کارگردانی فریدون جیرانی، سینماگر خراسانی، اوایل مرداد امسال بسته شد و قرار بود با پایان اکران «قسم» روی پرده سینماهای کشور برود؛ اتفاقی که هنوز رخ نداده است. «آشفتگی» با بازی بهرام رادان، مهناز افشار و مهران احمدی، بازیگر خراسانی، اولین‌بار در سی‌وهفتمین دوره جشنواره فیلم فجر اکران شد؛ اکرانی که چندان موفق نبود و این فیلم درنهایت دست خالی جشنواره را ترک کرد. در این بین نکته جالب توجه، اکران این فیلم در اروپا پیش از آغاز نمایش در ایران است. از سوی دیگر اکران «آشفتگی» در ایران با حواشی این روزهای مهناز افشار، بازیگر این فیلم، هم‌زمان شده است؛ حواشی‌ای که ممکن است اکران فیلم تازه کارگردان خراسانی را دچار مشکل کند.

● اعلام تاریخ جدید برای اکران «خداحافظ دختر شیرازی»

فیلم سینمایی «خداحافظ دختر شیرازی» به نویسندگی و کارگردانی افشین هاشمی که سال گذشته نتوانست به جشنواره فیلم فجر راه پیدا کند، یکی از متقاضیان اکران در ماه‌های اخیر است. با وجود آنکه هاشمی، کارگردان این کار، پیش‌تر در مصاحبه‌ای با شهرآرا اعلام کرده بود «خداحافظ دختر شیرازی» از ۲۳آبان روی پرده سینماهای کشور خواهد رفت، این فیلم همچنان اکران نشده است اما روز گذشته روابط‌عمومی این فیلم، ۱۳آذر را تاریخ جدید اکران «خداحافظ دختر شیرازی» اعلام کرد. این فیلم که اقتباسی است از یکی از آثارِ مشهور نیل سایمون(کمدی‌نویسِ آمریکایی)، یک اثر مفرح خانوادگی است و در آن بازیگرانی چون شبنم مقدمی و افشین هاشمی به ایفای نقش می‌پردازند.

● چشم‌انتظار نمایش بهترین فیلم از نگاه ملی جشنواره فجر

فیلم سینمایی «۲۳نفر» به کارگردانی مهدی جعفری، یکی از فیلم‌های اکران‌شده در سی‌وهفتمین جشنواره فیلم فجر است که تا امروز فرصت اکران عمومی پیدا نکرده است. آن‌طور که در جدیدترین اخبار آمده است، «۲۳نفر» بعد از پایان اکران فیلم کمدی «چشم‌وگوش‌بسته» روی پرده می‌رود. این فیلم اقتباسی از خاطرات ۲۳نفر از رزمندگان نوجوان ایرانی است که در جریان جنگ ایران و عراق در سال ۱۳۶۱ به اسارت نیروهای عراقی درآمدند. درنهایت باید دید «۲۳نفر» که عنوان بهترین فیلم از نگاه ملی را در جشنواره فجر سی‌وهفتم از آن خود کرده بود، پیش از آغاز دوره جدید این جشنواره به روی پرده خواهد رفت؟

● «سونامی» در راه است

«سونامی»، اولین ساخته میلاد صدرعاملی و به تهیه‌کنندگی رسول صدرعاملی، اولین‌بار در بخش نگاه نو جشنواره فجر سال گذشته روی پرده رفت. این فیلم سینمایی با بازی بهرام رادان و مهرداد صدیقیان، یک درام ورزشی است و فیلم‌نامه آن درباره زندگی یک تکواندوکار است که با اتفاقات مختلفی روبه‌رو می‌شود. میلاد صدرعاملی درحالی در انتظار اکران فیلمش است که فیلم پدرش، رسول صدرعاملی، به نام «سال دوم دانشکده من»، این روزها روی پرده رفته و نتوانسته است درمیان فیلم‌های گیشه‌پسند به فروش خوبی دست پیدا کند. حال اکران فیلم صدرعاملی پسر نیز منوط به پایان اکران یکی از همین فیلم‌های گیشه‌پسند است.

● «یادم تو را فراموش»؛ در چند قدمی اکران

حضور فیلم «یادم تو را فراموش» به‌کارگردانی علی عطشانی به سه سال پیش و سی‌وپنجمین دوره جشنواره فیلم فجر برمی‌گردد. این فیلم بارها به اکران نزدیک شده، اما درنهایت روی پرده نرفته است. آن‌طور که از داستان «یادم تو را فراموش» مشخص است، فیلم‌نامه این فیلم براساس ماجرای زندگی ناصر محمدخانی، فوتبالیست مشهور ایران، نوشته شده است. همین اتفاق نیز شکایت ناصر محمدخانی را دربی داشته است. یکی از نقش‌های اصلی این فیلم را میترا حجار، بازیگر مشهدی سینما ایفا می‌کند و حسین یاری بازیگر نقش مقابل اوست. براساس تصمیم اخیر شورای صنفی نمایش، فیلم «یادم تو را فراموش» بعد از اکران «آشفتگی» روی پرده می‌رود؛ فیلمی که هنوز زمان اکرانش مشخص نیست.

● فرصتی برای اولین ساخته سروش صحت

سروش صحت که این روزها سریال «فوق‌لیسانسه‌ها» را روی آنتن تلویزیون دارد، منتظر اکران اولین ساخته سینمایی‌اش با نام «جهان با من برقص» است. این فیلم اولین‌بار اردیبهشت امسال و در سی‌وهفتمین دوره جشنواره جهانی فجر روی پرده رفت و با استقبال مخاطبان و منتقدان نیز روبه‌رو شد. سروش صحت برای روایت داستانش، چهره‌های مطرحی از جمله جواد عزتی، علی مصفا، هانیه توسلی و پژمان جمشیدی را کنار هم قرار داده است. این فیلم جایزه بهترین کارگردانی و دیپلم افتخار بهترین بازیگر مرد(علی مصفا) را از جشنواره جهانی فجر از آن خود کرده است. قرارداد اکران «جهان با من برقص»، اول آبان بسته شده است، از این‌رو باید دید این اثر که از آن به‌عنوان فیلمی آوانگارد و درعین حال عامه‌پسند یاد شده است، می‌تواند پیش از آغاز جشنواره فجر به پرده سینماها راه پیدا کند یا خیر.

همراه با فجر ۹۸

«مست عشق» به فجر نمی‌رود

فتحی شایعات فضای مجازی درباره اثرش را تکذیب کرد

نگار راد| در روزهای گذشته و با پایان مهلت ثبت‌نام آثار برای حضور در سی‌وهشتمین دوره جشنواره فیلم فجر، برخی رسانه‌ها فهرستی از نام فیلم‌هایی که فرم جشنواره را پر کرده‌اند، منتشر کردند.

درمیان این فیلم‌ها، نام فیلم «مست عشق» به کارگردانی حسن فتحی نیز دیده می‌شد؛ فیلمی با بازی شهاب حسینی و پارسا پیروزفر که محصول مشترک ایران و ترکیه است و قرار است به دورانی از زندگی شمس و مولانا بپردازد.

با وجود اخبار منتشرشده، روز گذشته حسن فتحی با انتشار پستی در صفحه شخصی‌اش، نمایش «مست عشق» را در جشنواره فجر تکذیب کرد و نوشت: «خبر درج‌شده در برخی رسانه‌ها صحت ندارد. بنده فیلمی در جشنواره فجر امسال نخواهم داشت.»

مکری به فجر و برلین نمی‌رود

تولید فیلم جدید شهرام مکری هنوز به پایان نرسیده است

ملک| «جنایت بی‌دقت» نام تازه‌ترین فیلم شهرام مکری است که حال‌وهوایی مشابه فیلم‌های قبلی‌اش دارد. با اینکه همه گمان می‌کردند او می‌خواهد فیلمش را به جشنواره برساند، گویی او می‌خواهد این فیلم را از سر حوصله بسازد و عجله‌ای برای رساندن آن به جشنواره فجر ندارد. با این صبر و حوصله‌ای که او به خرج داده است، بعید می‌داند که فیلمش حتی به جشنواره برلین برسد. در همین باره مکری به ایسنا گفته است که فیلمش زودتر از مهلت جشنواره فجر آماده نمی‌شود و احتمال می‌دهد رساندن عجله‌ای آن به جشنواره ملی، سوءتفاهم ایجاد کند: «یک نکته مهم دیگر به‌جز نبود زمان کافی، این است که به‌عنوان فیلم‌سازی که جشنواره فجر را تجربه کرده‌ام، احساس می‌کنم آثار من با این جشنواره، زیاد در یک مسیر قرار ندارد.» ساخت این فیلم از اوایل امسال آغاز شده و هنوز به پایان نرسیده است. علت این طولانی شدن در تولید و پس از تولید، کار زیاد روی بخش‌های مربوط به جلوه‌های ویژه کامپیوتری بوده است.

«رستگاری جهان» در سکوت خبری

تازه‌ترین فیلم کمال تبریزی آماده فجر می‌شود

هنری| کمال تبریزی، کارگردان سینما، چراغ خاموش کار فیلم جدیدش را پیش می‌برد تا آن را به جشنواره فجر امسال برساند. اخبار حکایت از آن دارد که کمال تبریزی فرم جشنواره را برای «رستگاری جهان» پر کرده است.

بر اساس این اخبار قطره‌چکانی که از مرحله تولید «رستگاری جهان» به رسانه‌ها نشت می‌کند، مشخص شده است تاکنون رضا کیانیان، هدی زین‌العابدین و رؤیا نونهالی، بازیگران تازه‌ترین فیلم تبریزی هستند.

نگاهی به کارنامه تبریزی، به‌ویژه فیلم آخرش، «ما همه با هم هستیم»، به تهیه‌کنندگی سیدرضا میرکریمی، این احتمال را به‌وجود می‌آورد همان‌طور که نام قبلی رستگاری جهان، «درکمال بی‌شعوری» بوده است، این فیلم سینمایی هم یک اثر در ژانر کمدی باشد.

ازطرف دیگر کارنامه محمد آفریده، تهیه‌کننده «رستگاری جهان»، که تاکنون در حوزه فیلم‌سازی طنز فعالیت نکرده است، این احتمال را با تردید روبه‌رو می‌کند.